



فرایند تشبیه

هرگاه ما با دیدن یا احساس کردن چیزی که در حضورمان است، به یاد چیزی که قبلاً با آن برخورد داشته‌ایم، بیفتیم، در ذهن ما فرایند تشبیه روی داده است. به آن چه در حضور ماست، «مشبه» و به آن چه در ذهن ما شکل گرفته، «مشبّه‌به» می‌گویند. حالا بسته به این که ما این فرایند ذهنی را به چه شکل بر زبان بیاوریم سه نوع آرایه تعریف شده است:

آرایه تشبیه: مشبه و مشبّه‌به هر دو ذکر می‌شوند.

آرایه استعاره مُصرّحه (آشکار): مشبّه‌به، جای مشبه به کار می‌رود.

آرایه استعاره مکنیه (پوشیده): مشبه به همراه یکی از ویژگی‌ها یا اجزای مشبّه‌به ذکر می‌شود.

در هر سه آرایه تشبیه، استعاره مُصرّحه و استعاره مکنیه، فرایند ذهنی یکسانی اتفاق می‌افتد که ما آن را فرایند تشبیه نام‌گذاری کردیم. فقط چگونگی بیان این فرایند ذهنی، باعث ایجاد تفاوت میان این سه آرایه هم‌جنس می‌شود.^۱

آرایه تشبیه

در آرایه تشبیه دو **اسم** بر پایه اشتراکی که در صفتی دارند، به هم مانند می‌شوند؛ مورد اصلی را مشبه و موردی را که مشبه به آن تشبیه می‌شود، مشبّه‌به می‌نامند، صفت مشترک میان مشبه و مشبّه‌به، دلیل شباهت یا وجه‌شبه نامیده می‌شود.^۲

گاهی در تشبیه از واژه‌هایی از قبیل «مثل»، «مانند»، «بسان»، «بکردار»، «هم‌چون» و... استفاده می‌کنیم که بر همانندی دلالت دارند و به آن‌ها ادات تشبیه می‌گویند.

پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت که هر تشبیه «حداکثر» از چهار عنصر (پایه، رکن) پدید می‌آید:

۱. مشبه ۲. مشبّه‌به ۳. وجه شبه ۴. ادات تشبیه

برای آشنایی با این آرایه‌های ادبی بسیار زیبا و مهم به بررسی ساختار تشبیه در این بیت می‌پردازیم:

۱. حتی آوردن مثال (و اسلوب معادله) نیز نوعی فرایند تشبیه (نه آرایه تشبیه) است که در آن شباهتی میان دو موضوع می‌یابیم و یکی را به عنوان مثال دیگری می‌آوریم.

۲. معمولاً این صفت در مشبّه‌به برجسته‌تر و آشکارتر است.



□ «خوش‌بخت آن که مادر دانا به روز و شب / چونان فرشته بر سر او سایه گستر است»

نخست از خود می‌پرسیم که چه چیزی به چه چیزی تشبیه شده است؟

پاسخ: مادر به فرشته تشبیه شده است ← مادر: مشبه، فرشته: مشبّه‌به

سپس از خودمان می‌پرسیم شاعر به خاطر اشتراک در کدام صفت مادر را به فرشته تشبیه کرده است؟

پاسخ: به این دلیل که هر دو از انسان مراقبت و محافظت می‌کنند.

حال می‌پرسیم که آیا در این بیت به این موضوع اشاره شده است یا نه؟

پاسخ: بله؛ زیرا به «سایه‌گستر بودن» اشاره شده است که به معنای مراقبت و محافظت است ← سایه‌گستر بودن،


وجه شبه است.


در نهایت دقت می‌کنیم که آیا در این تشبیه از ادات تشبیه استفاده شده است یا نه؟

پاسخ: بله؛ چونان، ادات تشبیه است.


پس در این بیت شاعر دست به تشبیه‌ای زده است که در آن، هر چهار عنصر (رکن) تشبیه ذکر شده؛ اما اغلب اوقات

معمولاً یک یا دو جزء از تشبیه حذف می‌شود.

 به مشبه و مشبّه‌به، «دو طرف تشبیه» گفته می‌شود و هیچ تشبیه‌ی بدون ذکر مشبه و مشبّه‌به شکل نمی‌گیرد. (مگر این که مشبه به قرینه لفظی حذف شده باشد.)

 حذف وجه شبه باعث می‌شود که ذهن خواننده به تکاپو بیفتد تا دلیل شباهت را خود کشف کند؛ در واقع با حذف وجه‌شبه، خواننده در آفرینش تشبیه با پدیدآوردن اثر همراه می‌شود و این باعث لذت ادبی می‌گردد؛ به همین دلیل حذف وجه‌شبه بیش از حذف ادات تشبیه بر ارزش هنری کلام می‌افزاید؛ نمونه:

«مادرم در مهربانی مثل فرشته است» ← «مادرم مثل فرشته است»

 گاهی در زبان ادبی، مشبه و مشبّه‌به به کمک کسره به هم می‌پیوندند و به صورت اضافه تشبیه‌ی بیان می‌شوند؛ چند نمونه:

قد سرو، تیر مژگان، کیمیای عشق^۱، بیابان گمراهی، نور دانش ما، ماه رخسار، زنجیر گیسو^۲

۱. در ترکیب «کیمیای عشق» از آن جهت عشق به کیمیا تشبیه شده است که عشق نیز مانند کیمیا که مس را به طلا تبدیل می‌کند وجود ناچیز انسان را به وجودی کمال یافته تبدیل می‌نماید.

۲. وجه‌شبه در اضافه تشبیه‌ی «زنجیر گیسو»، نخست آن است که در گذشته گیسورا به صورت حلقه حلقه می‌بافتند و دوم آن که همان گونه که زنجیر انسان را اسیر می‌کند، گیسوی دل‌دار نیز عاشق را اسیر خود می‌گرداند.




پس اضافه تشبیهی حالتی از تشبیه است که در آن مشبه و مشبّه به صورت مضاف و مضاف‌الیه می‌آیند.

تست آهوزشی: در کدام گزینه «آرایه تشبیه» وجود دارد؟

- (۱) آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد
(۲) پسته بی مغز چون لب وا کند، رسوا شود
(۳) زدش بر زمین بر، به کردار شیر
(۴) به رخ برنهاد از دو دیده دو جوی

پاسخ تحلیلی:

 همان‌گونه که در تعریف تشبیه گفته شد، مشبه و مشبّه به دو اسم جدا از هم‌اند؛ یعنی در عالم واقع، دو واقعیت مستقل‌اند. هم‌چنین ذکر مشبه و مشبّه به برای پیدایش آرایه تشبیه الزامی است مگر این که یکی از آن دو (مشبه) به قرینه لفظی جمله‌های قبلی حذف شده باشد.

در گزینه نخست، نمی‌توان گفت که آدمی به پیر یا حرص به جوان تشبیه شده است؛ زیرا در این بیت «پیر» و «جوان» صفت آدمی و حرص هستند و خود واقعیت مستقلی در عالم خارج نیستند (ما کسی به نام «پیر» یا «جوان» نداریم بلکه هر فردی می‌تواند پیر یا جوان باشد و پیر و جوان صفت انسان هستند نه انسانی مستقل).

در گزینه دوم نیز «بی‌مغز» و «رسوا» صفت پسته می‌باشند و خود واقعیت مستقلی در عالم خارج نیستند. در گزینه سوم، شاعر نهاد جمله (او) را به «شیر» مانند کرده است و این دو («او» و «شیر») دو شخص مستقل در عالم خارج هستند (شرط اول برقرار است). گرچه در این مصراع نهاد جمله ذکر نشده است؛ اما این موضوع به دلیل حذف به قرینه لفظی روی داده است و می‌توان نهاد جمله را به کلام اضافه کرد: او (رستم) زدش بر زمین به کردار شیر.

در گزینه چهارم، شاعر در ذهن خود اشک‌های روان بر چهره را به «جوی» مانند کرده است و این دو («اشک روان» و «جوی») دو مورد جدا از هم و مستقل در عالم خارج هستند. (شرط اول برقرار است.) اما شرط دوم برقرار نیست؛ زیرا مشبه («اشک روان») در این مصراع ذکر نشده است؛ مشبه با قرینه لفظی نیز حذف نشده است؛ زیرا هرگاه جزئی از جمله به قرینه لفظی حذف شود، همیشه جای آن در جمله محفوظ است و می‌توان آن را به جمله اضافه کرد؛ اما در این مصراع جایی برای افزودن «اشک روان» وجود ندارد.

پس در این جمله «جوی» جایگزین «اشک روان» شده است و هرگاه در کلام، مشبّه به جایگزین مشبه شود، آرایه تشبیه به آرایه استعاره تبدیل می‌گردد که این آرایه در صفحات بعدی به صورت جداگانه‌ای بررسی خواهد شد ← باید گزینه دوم را انتخاب می‌کردید.

تست آهوزشی: در کدام گزینه، هر چهار رکن تشبیه ذکر شده است؟

- (۱) چو نمود رخ شاهد آرزو
(۲) چو غنچه گرچه فروبسته است کار جهان
(۳) چو جوشن بیوشید پر خاشجوی
(۴) بَرَش چون بر رستم زال بود

**پاسخ تحلیلی:**

در گزینه نخست «آرزو» به «شاهد» (یار زیبارو) مانند شده است؛ وجه شبه: هر دو دل خواه‌اند و برای رسیدن به آن‌ها باید تلاش کرد (وجه شبه ذکر نشده است). ادات تشبیه نیز در این مصراع ذکر نشده زیرا «چو» در این مصراع در معنی «هنگامی که» به کار رفته است.

در گزینه دوم، «کار جهان» (مشبه) به «غنچه» (مشبه‌به) مانند شده است؛ وجه شبه: هم کار جهان فرو بسته است هم غنچه فرو بسته است ← وجه شبه ذکر شده است؛ «چو» در این مصراع به معنی «مانند» به کار رفته است ← ادات تشبیه نیز ذکر شده است.

در گزینه سوم، «چو» به معنی «هنگامی که» آمده و در این مصراع هیچ تشبیه‌ی وجود ندارد. در گزینه چهارم، «بَرَش» مشبه است و «بِرِ رستمِ زال» مشبه‌به و «چون» ادات تشبیه، اما وجه شبه ذکر نشده است ← انتخاب گزینه دوم نشانه دقت شماست!

تست آموزشی: کدام گزینه، پایه‌های تشبیه موجود در این بیت را به درستی مشخص کرده است؟

«به رود سند می‌غلطید بر هم / ز امواج گران کوه از پی کوه»

۱) مشبه: رود سند؛ مشبه‌به: کوه؛ وجه شبه: غلتیدن

۲) مشبه: رود سند؛ مشبه‌به: کوه؛ وجه شبه: گرانی

۳) مشبه: موج؛ مشبه‌به: کوه؛ وجه شبه: غلتیدن

۴) مشبه: موج؛ مشبه‌به: کوه؛ وجه شبه: گرانی

پاسخ تحلیلی:

روشن است که امواج رود سند به کوه‌هایی که در پی هم قرار گرفته‌اند مانند شده است ← مشبه: موج؛ مشبه‌به: کوه

حال از خود می‌پرسیم چه صفت مشترکی میان موج‌های رود سند و کوه‌ها وجود داشته است که شاعر موج را به کوه مانند کرده است؟ مطمئناً این صفت نمی‌توند غلتان بودن باشد زیرا کوه نمی‌غلطد! بلکه گرانی (سنگینی و بزرگی) ویژگی مشترک آن دو است ← باید گزینه چهارم را انتخاب می‌کردید.

تست آموزشی: در بیت «اورا خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم» کدام پایه

از پایه‌های تشبیه حذف شده است؟

۱) مشبه

۲) مشبه‌به

۳) وجه شبه

۴) ادات تشبیه



پاسخ تحلیلی:

نخست با دقت مشخص کنید که چه چیزی به چیزی مانند شده است؛ آن گاه به دنبال وجه شبهه و ادات تشبیه بگردید که آیا ذکر شده اند یا نه.

مشبه: نظر

مشبه‌به: کمند

وجه شبهه: هر دو اسیر می‌کنند یا انسان اسیر آن‌ها می‌شود (در بیت به این موضوع اشاره شده است).
ادات تشبیه: ذکر نشده ← گزینه چهارم را باید انتخاب می‌کردید.

تسه آهوشی: از میان بیت‌های زیر، به ترتیب در کدام بیت هر چهار رکن تشبیه و در کدام بیت فقط دو رکن

تشبیه دیده می‌شود؟

آ- صدف وار گوهرشناسان راز / دهان جز به لؤلؤ نکردند باز

ب- آتش است این بانگ نای و نیست باد / هرکه این آتش ندارد، نیست باد

پ- آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش

ت- چو شیران جنگی برآشوفتند / پر از خشم اندام‌ها کوفتند

(۱) آ- ب (۲) پ- ت (۳) آ- ت (۴) پ- ب

پاسخ تحلیلی:

در بیت نخست، گوهرشناسان راز (کسانی که رازهای ارزشمند را می‌شناسند) به صدف مانند شده اند. «وار» ادات تشبیه است و کل مصراع دوم، وجه شبهه این دو در بیت دوم، «بانگ نای» مشبه و «آتش» مشبه‌به است. ادات تشبیه به چشم نمی‌خورد. «وجه شبهه» تأثیرگذاری و سوزندگی است که ذکر نشده است. (در مصراع دوم «آتش» به جای «سوزوگداز عشق» آمده و استعاره از آن است.)

در بیت سوم، «چون» در مصراع دوم ادات تشبیه و «کعبه» مشبه‌به است؛ اما مشبه کجاست؟ بله به قرینه بیت‌های قبلی حذف شده است و چون جای آن در بیت محفوظ است و می‌شود آن را در بیت جاگذاری کرد، مشکلی برای تشبیه، پیش نمی‌آید: «[مجنون] همچون کعبه حلقه در گوش نهاد.» دلیل تشبیه مجنون به کعبه چیست؟ این که هر دو حلقه در گوش دارند بر در خانه دو حلقه طلا نصب بوده است. در دو گوش غلامان هم حلقه می‌کردند که نشانه بندگی و بردگی بود.

در بیت چهارم، می‌توان «چو» را، هم «وقتی که» معنا کرد و هم «مانند» که با توجه به این تست، بهتر است آن را «مانند» در نظر بگیریم؛ در این صورت سه رکن تشبیه ذکر شده اما باز هم مشبه (پهلوانان = رستم و اسفندیار) به قرینه لفظی بیت‌های قبل حذف شده است ← انتخاب گزینه نخست نشانه دقت بالایی شماست!



! برای تفکیک مشبه از مشبّه‌به نباید ساده‌انگارانه آن را که اول آمده است مشبه و دومی را مشبّه‌به فرض کرد! بلکه باید از خود پرسید که کدام یک از این دو در حضور شاعر یا نویسنده هستند و قصد او صحبت کردن درباره کدام یک از این دو است؛ پاسخ این سؤال، مشبه را مشخص می‌کند.

تسه آموزشی: در کدام گزینه، «مشبه» درست مشخص شده است؟

- ۱) آیینۀ سکندر جام می است بنگر / تا بر تو عرضه دارد احوال مُلک دارا
- ۲) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا
- ۳) پروانه نیستم که به یک شعله جان دهم / شمع که جان گدازم و دودی نیآورم
- ۴) بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غزه / که این آن نو بهاری نیست کش بی‌مهرگان بینی

پاسخ تحلیلی:

در گزینه نخست، قصد واقعی حافظ سخن گفتن از «آیینۀ اسکندریه» است یا «جام می» (= دل پاک عارف)؟ بله، در این جا، «جام می» مشبه است و «آیینۀ اسکندریه» مشبّه‌به (وجه‌شبه: جهان بینی و دورنگری) در گزینه دوم، شاعر می‌گوید که در دستان قدرتمند دلبرم (خداوند)، موم مانند سنگ خارا است یا برعکس؟ بله، مطمئناً برعکس؛ پس «سنگ خارا» مشبه و «موم» مشبّه‌به است. (پاسخ همین گزینه است.) در مصراع نخست این بیت نیز یک تشبیه دیده می‌شود: دلبر (خدا) از روی غیرت تو را مانند شمع خواهد سوزاند ← تو («ت» در غیرت) مشبه است و «شمع» مشبّه‌به و «سوختن» وجه‌شبه.

در گزینه سوم، شاعر آشکارا می‌گوید: پروانه نیستم؛ بنابراین در مصراع نخست تشبیه وجود ندارد، اما در مصراع دوم خود را به «شمع» مانند کرده است.

در گزینه چهارم «زور و زر دنیا» (مشبه) است و به «نوبهاری که بدون مهرگان نیست» (مشبّه‌به) مانند شده است (یعنی نوبهاری که خواهی نخواهی پاییز و خزان دارد و دیری نمی‌پاید.)؛ وجه‌شبه: ناپایداری و فناپذیری. (البته در این جا، مخاطب بیت نیز به بی‌عقلان تشبیه شده است، که اصلاً به ما ربطی ندارد!)

! تشبیه‌هایی که در آن‌ها ادات تشبیه ذکر نمی‌شود و تشبیه با الگوی «الف ب است» بیان می‌شود، از چشمان دور نماند.

برای نمونه، جمله‌هایی مانند «من شیرم» یا «تو فرشته‌ای» تشبیهاتی هستند که به راحتی از چشم دور می‌مانند، به‌ویژه اگر نهاد اختیاری را نیز در آن‌ها حذف کنیم و بگوییم «شیرم»، «فرشته‌ای»؛ مثلاً در این مصراع: «کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز» جمله اول یک تشبیه است: کشتی شکستگانیم = ما مانند کشتی شکستگان هستیم.



(زبان ۹۴)

تست آهوشی: در کدام بیت، وجه شبه، محذوف است؟

- ۱) ز شرم چهره چون آفتاب اندر صبح / ستاره خون شود از چشم آسمان بچکد
- ۲) ناتوان بودم، به بوی شب نیم‌شب برخاستم / تا به کوی شب چون نسیم افتان و خیزان بوده‌ام
- ۳) مقام کعبه وصل تو دور افتاده است از ما / نه ساز رفتن است آن جا مرا نه برگ نارفتن
- ۴) آتشین داری زبان زان دل سیاهی چون چراغ / گرد خود گردی از آن تر دامنی چون آسیا

پاسخ تحلیلی:

در گزینه نخست، چهره یار به آفتاب ماندشده که وجه شبه درخشندگی است و ذکر نشده. در ادامه، ستاره به خون مانند شده است که وجه شبه خیالی آن، سرخ‌رنگی است (در این غم، ستاره‌ها خونین می‌شوند و مانند اشک خون‌آلود بر چهره آسمان نقش می‌بندند.) که ذکر نشده است.

در گزینه دوم، شاعر خود را به نسیم ماند کرده و وجه شبه را نیز آورده: «افتان و خیزان بودن».

در گزینه سوم، وصل یار به کعبه ماندشده و وجه شبه هم «دور از دست بودن» است که ذکر شده.

در گزینه چهارم، زبان به آتش ماندشده، بدون آمدن وجه شبه، اما در تشبیه معشوق به چراغ و سنگ آسیاب، وجه شبه‌ها ذکر شده‌اند: «دل سیاه بودن» و «دور خود گشتن» (خودخواهی و خودمحوری).

یکی از سرنخ‌های تشبیه، پیدا کردن جمله‌هایی است که در آن‌ها امری غیرممکن مطرح شده است؛ پس برخی از جمله‌های غیرممکن را - و نه همه آن‌ها را^۱ - می‌توان به یک تشبیه تبدیل کرد.

برای نمونه، اگر از ما بپرسند در بیت «با نگاه غضب‌آلوده زند / بر دل نازک من تیر خدنگ» آرایه تشبیه داریم یا نه، نباید فوری بگوییم نه؛ زیرا در این بیت امری غیرممکن مطرح شده است و شاید بشود آن را به تشبیه تبدیل کرد: با نگاه خشمگین نمی‌توان به دل کسی تیر زد اما می‌شود گفت که: نگاه غضب‌آلوده او مانند تیری دل نازک مرا مجروح می‌کند ← تشبیه داریم.

یا در عبارت «از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها می‌توان ساخت» امری غیرممکن بیان شده است؛ زیرا به‌واقع نمی‌توان از تجربه‌ها، اسلحه ساخت، اما می‌توان گفت که: برای ما تجربه‌هایمان مانند سلاح است ← تشبیه داریم.

تست آهوشی: در مصراع دوم کدام گزینه تشبیه وجود ندارد؟

- ۱) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده گویی / به سوی عیب چون پویی گر او را غیب‌دان بینی
- ۲) در گردنم فکنده‌ست گیسوی او کمندی / بر کشتنم کشیده‌ست ابروی او کمانی
- ۳) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت
- ۴) مادر سنگ‌دلت تا زنده است / شهید در کام من و توسل شرنگ

۱. چون مثلاً در اغراق یا متناقض‌نما نیز امری غیرممکن مطرح می‌شود.

**پاسخ تحلیلی:**

در گزینه نخست «غیب‌دان» صفتِ خداست و نمی‌شود گفت که در این جا خداوند به غیب‌دان تشبیه شده است؛ خداوند واقعاً غیب‌دان است و این فقط یک توصیف است نه تشبیه.

در گزینه دوم، روشن است که ابرو واقعاً نمی‌تواند کمان بکشد ← این امر غیرواقعی را می‌توان به یک تشبیه تبدیل کرد: ابروی او مانند کمانی است که می‌خواهد جان مرا بستاند. (به همین شکل در مصراع اول این بیت نیز، گیسوی یار به کمندی مانند شده است که عاشق را اسیر خود نموده.)

در گزینه سوم، نیز با امری غیرواقعی روبه‌رو هستیم: با زخم و جراحت بدن، نمی‌شود نشان سرافرازی (مدال افتخار) گرفت اما می‌توان آن را در قالب یک تشبیه پذیرفت: زخم‌های بدن تو مانند مدال افتخار مایه مباهات توست. (روی سخن با جانباز است.)

در مصراع دوم گزینه چهارم نیز با امری غیرممکن روبه‌رو هستیم: شهد و عسل نمی‌تواند زهر و شرنگ باشد ← عسل در دهان من و تو مانند زهر خواهد بود؛ پس در این بیت نیز تشبیه را می‌توان پذیرفت؛ اما همان‌طور که می‌بینید در این جا دو واژه متضاد (شهد و شرنگ) به هم تشبیه شده‌اند که خود پدیده‌آورنده آرایه متناقض نما نیز هست.

هرگاه دو واژه متضاد را به هم تشبیه کنیم، علاوه بر تشبیه، متناقض نما نیز داریم.

اضافه تشبیهی

رایج‌ترین شکل تشبیه در آزمون سراسری، اضافه تشبیهی است. دیدیم که اضافه تشبیهی یکی از حالت‌های آرایه‌های تشبیه است که در آن، مشبه و مشبّه‌به به کمک کسره به هم اضافه می‌شوند و معمولاً (نه همیشه) ابتدا مشبّه‌به می‌آید و سپس مشبه.

اضافه‌های تشبیهی رایج

- ◀ ماهِ چهره^۱ • مهر (خورشید) رخ • شبِ گیسو • طاقِ ابرو • محرابِ ابرو^۲
- ◀ کمانِ ابرو • تیرِ مژگان • تیرِ نگاه • ناوکِ نگاه^۳

۱. (چهره‌ای که مانند ماه است.)

۲. (وجه‌شبه: حالت قوسی شکل ابرو)

۳. (مژه یا نگاه معشوق مانند تیری است که آن را با ابروهای کمانی اش به سوی قلب عاشق روانه می‌کند!)



- ◀ لعل لب • دُرُ دندان • سرو قامت • کمندِ گیسو • زنجیرِ مو • سلسلهٔ زلف^۱ • طرّهٔ هندو • زلف هندو^۲
- موی میان • موی کمر^۳ • تیر آه^۴
- ◀ آتش عشق • دود آه • خرمن وجود^۵ • شرابِ فُرقت^۶
- ◀ مس وجود • کیمیای عشق • اکسیر عشق^۷
- ◀ زندان عالم • دام زندگی • چاه مادیات • مضیق حیات^۸
- ◀ آینهٔ دل • زنگار گناه • زنگ کینه^۹
- ◀ گوهر جان • گوهر عمر • نقدِ جان • نقدِ جوانی • نقدِ عمر^{۱۰}
- ◀ قلبِ دل^{۱۱}

گاهی هم شاعران اعضا و جوارح معشوق را به حروف الفبا مانند می‌کردند:

- ◀ الفِ قَد^{۱۲} • جیمِ زلف^{۱۳} • میمِ دهان^{۱۴} • لامِ قامت^{۱۵}

۱. «سلسله» یعنی زنجیر و علت تشبیه موی یار به کمند و زنجیر این است که دل دیوانهٔ عاشقان، اسیر این کمندها و زنجیرهاست!
۲. (موهای یار در سیاهی به هندی‌ها مانند شده است!)
۳. (کمر یار از نازکی به مو مانند شده است!)
۴. (وجه‌شبه: پریدن به سوی آسمان یا آسیب رساندن به ظالمان)
۵. (عشق مانند آتش است و وقتی در خرمن وجود عاشق می‌افتد دود آن، همان آهی است که عاشق از دل برمی‌آورد!)
۶. (وجه‌شبه: تلخی)
۷. (وجود مادی مانند مس کم ارزش است اما عشق کیمیا یا اکسیری است که این مس را به طلا تبدیل می‌کند)
۸. (زندگی به یک تنگنا تشبیه شده است.)
۹. (دل مانند آینه‌ای صیقلی است که اگر زنگار گناه و کینه آن را مکدر نکند، می‌تواند حقیقت‌ها را به ما بنمایاند.)
۱۰. «نقد» یعنی پول رایج و عاشقان عمر و جان و جوانی‌شان را به پول نقد تشبیه می‌کنند که می‌خواهند آن را برای معشوق خرج کنند!
۱۱. (در این جا «قلب» یعنی سکه تقلبی و دل برای هدیه به معشوق مانند سکه‌ای تقلبی، کم ارزش و بی مقدار است!)
۱۲. (قد معشوق در کشیدگی مانند حرف «الف» است.)
۱۳. (حلقهٔ پایین گیسو مانند حرف «ج» است.)
۱۴. (دهان یار در کوچکی مانند دایرهٔ کوچک «م» است!)
۱۵. (قامت عاشق در خمیدگی به حرف لام تشبیه می‌شد!)


خط فکر

۱. ابتدا به ترکیب‌های اضافی توجه می‌کنیم و وجود **اضافه تشبیهی** را بررسی می‌کنیم.
۲. به جمله‌هایی با الگوی «**الف ب است**» توجه می‌کنیم. اگر مفهوم چنین جمله‌ای غیرممکن بود، به احتمال بسیار دارای تشبیه است.
۳. در نهایت به سراغ جمله‌هایی می‌رویم که در آن‌ها **امری غیرواقعی** مطرح شده است. شاید بتوان آن جمله‌ها را به تشبیه تبدیل کرد.

تسک آموزشی: در کدام بیت تشبیه کم‌تری دیده می‌شود؟

- ۱) باد بهار می‌وزد از گلستان شاه / وز ژاله باده در قده لاله می‌رود
- ۲) گلبن عیش می‌دمد ساقی گل‌عذار کو / باد بهار می‌وزد باده خوش‌گوار کو؟
- ۳) زود است قطع اشک که دهقان روزگار / در سینه تخم مهر تو می‌کاردم هنوز
- ۴) در قیمت دهانت نقد روان سپردم / یعنی به هیچ دادم جان گران‌بها را

پاسخ تحلیلی:

در گزینه نخست، قده لاله اضافه تشبیهی است (لاله از نظر شکل و رنگ به کاسه شراب مانند شده است). یک امر غیرممکن هم در این بیت دیده می‌شود. از ژاله (شب‌نم) نمی‌تواند درون لاله، می و باده برود ← ژاله درون لاله مانند باده است ← دو تشبیه آفریده شده است.

در گزینه دوم، در ترکیب گلبن عیش، عیش و خوشی به گلبن (بوته گل)، مانند شده است (اضافه تشبیهی). «گل‌عذار» صفتی است که درون آن تشبیهی دیده می‌شود: کسی که عذار (چهره) او مانند گل است ← دو تشبیه پیدا شد.

در گزینه سوم، شاعر، روزگار را به دهقانی مانند کرده است که مهر و محبت را هم چون تخمی در سینه شاعر می‌کارد (هر دو تشبیه به صورت اضافه تشبیهی آمده است). و شاعر به این دلیل گریه‌اش را قطع نمی‌کند که می‌خواهد این تخم محبت را در سینه خود آبیاری کند. (این هم یک حسن تعلیل زیبا و آشنا)

در گزینه چهارم، شاعر روح و روانش را به پول نقدی مانند کرده که آن را در قبال دهان یار پرداخت کرده است اما به هیچ رسیده! ^۱ (حُب یک تشبیه پیدا کردیم، اما برویم سراغ ادامه ماجرای این بیت) حالا چرا می‌گوید به هیچ رسیده‌ام؟ (کمی فکر کنید)

به این دلیل که، دهان یارش به حدی کوچک و ظریف است که انگار دهانی ندارد! (این هم یک اغراق عجیب برای کوپلی دهان یار). (گزینه چهارم)

۱. راستی «نقد روان» ایهام دارد، زیرا می‌شود آن را «پول رایج» هم معنی کرد، گرچه معنای اول بسیار دلنشین‌تر است.



تست‌های تهرینی

۱. در کدام بیت، از آرایه «تشبیه»، استفاده شده است؟ (آزمون سراسری)
- ۱) جواهر تو بخشی دل سنگ را / تو در روی جوهر کنی رنگ را
 - ۲) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای / چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
 - ۳) مهندس بسی جوید از رازشان / نداند که چون کردی آغازشان
 - ۴) همه آفریده است بالا و پست / تویی آفریننده هر چه هست
۲. در همه گزینه‌ها، به جز گزینه، «اضافه تشبیهی» به کار رفته است؟ (آزمون سراسری)
- ۱) در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها تو را می‌جویند.
 - ۲) غوّاص خرد، بازیچه کوچکترین موجش می‌گردد.
 - ۳) گهواره لرزان زمین، با کوه‌های گران سنگ، استوار گردید.
 - ۴) هستی خود را در اقیانوس پیکران وجود محو خواهند کرد.
۳. در کدام بیت از «تشبیه» استفاده نشده است؟ (آزمون سراسری)
- ۱) زنی که گوهر تعلیم و تربیت خرید / فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
 - ۲) ز بیش و کم زن دانا نکرد روی ترش / به حرف زشت نیالود نیکمرد رهان
 - ۳) چه حله‌ای است گراتر ز حلیت دانش / چه دیبه‌ای است نکوتر ز دیبه عرفان
 - ۴) به روز حادثه اندر یم حوادث دهر / امید سعی و عمل‌هاست هم از این، هم از آن
۴. «مشبّه‌به» در بیت: «نه این ریسمان می‌برد با منش / که احسان کمندی است در گردش» کدام کلمه است؟ (آزمون سراسری)
- ۱) احسان ۲) ریسمان ۳) گردن ۴) کمند
۵. در بیت: «مرا ستاره صبحی که هر چه کوشیدم / شد آخر از نظرم ناپدید مادر بود» کدام رکن تشبیه، محذوف است؟ (آزمون سراسری)
- ۱) ادات تشبیه ۲) مشبّه ۳) مشبّه‌به ۴) وجه‌شبهه
۶. در مصراع اول بیت: «تو را آتش عشق اگر پر بسوخت / مرا بین که از پای تا سر بسوخت» کدام یک از ارکان تشبیه محذوف است؟ (آزمون سراسری)
- ۱) وجه‌شبهه ۲) مشبّه‌به ۳) مشبّه ۴) ادات تشبیه
۷. در ابیات همه گزینه‌ها، به جز گزینه همه ارکان تشبیه آمده است. (آزمون سراسری)
- ۱) آنکه لرزد همچو مرغ نیم‌بسمل، صبح و شام / در زمستان، پیکر عریان دهقان است و بس
 - ۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد / چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
 - ۳) خوشبخت آنکه مادر دانا به روز و شب / چونان فرشته بر سر اوسایه گستر است
 - ۴) وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ / یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیبان

۸. با توجه به بیت: «این نان و آب چرخ، چون سیل است بی‌وفا / من ماهیم، نهنگم، عمانم آرزوست» کدام گزینه «مشبّه‌به» نیست؟
(آزمون سراسری)

(۱) سیل (۲) عمان (۳) ماهی (۴) نهنگ

۹. کدام گزینه، می‌تواند «مشبّه» بیت زیر باشد؟
«تو گفתי گرد زنگار است بر آئینه چینی / تو گفתי موی سنجاب است بر پیروزه گون دیبا»
(آزمون سراسری)

(۱) ابر (۲) آتش (۳) باد (۴) برق

۱۰. در کدام گزینه همه ترکیب‌ها «اضافه تشبیهی» است؟
(ریاضی ۸۹)

- (۱) گوشه کلاه، روی ماه، روی تعظیم، قبه عرش
- (۲) آبروی بندگان، جمال عشق، اوج بلاغت، تقصیر خویش
- (۳) دروگر زمان، عصاره تاک، شهید فایق، موسم ربیع
- (۴) بنات نبات، بحر مکاشفت، مهد زمین، تیر مژگان

۱۱. در کدام بیت، طرفین تشبیه، فقط یک کلمه نیست؟
(آزمون سراسری)

- (۱) خداوندا شبم را روز گردان / چو روزم بر جهان پیروز گردان
- (۲) شبی دارم سیاه از صبح نومید / در این شب روسپیدم کن چو خورشید
- (۳) ندارم طاقبت این کوره تنگ / خلاصی ده مرا چون لعل از این سنگ
- (۴) چو بر زد آتش مشرق زبانه / ملک چون آب شد ز آنجا روانه

۱۲. در کدام عبارت، آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟
(آزمون سراسری)

- (۱) هوا همچون نگاه وحشتناک غارها حرکتی نداشت.
- (۲) شیهه چند اسب بی‌شکیب، سکوت دشت را در هم میشکست.
- (۳) سوسوی چند مشعل، پرده سیاه شب را می‌درید و پیش می‌رفت.
- (۴) او در یک شب ظلمانی، چون اختری روشن و پرفروغ از تاریکی‌ها و سیاهی‌ها گریخت.

۱۳. در کدام گزینه هر چهار پایه تشبیه ذکر شده است؟
(آزمون سراسری)

- (۱) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد / ساقی به دور باده گلگون شتاب کن
- (۲) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری / تو یار غمگساری، تو حور دلربایی
- (۳) چو دریای خون شد همه دشت و راغ / جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
- (۴) گه نیم کوهم ز صبر و حلم و داد / کوه را کی درر باید تندباد

۱۴. در کدام گزینه یکی از ارکان «تشبیه» محذوف است؟
(آزمون سراسری)

- (۱) او نگاهش مثل خنجر بود.
- (۲) چاه چونان ژرفی و پهناش، بی‌شرمیش ناباور
- (۳) قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم
- (۴) گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس



(ریاضی ۹۳)

۲۱. آرایه‌های «تشبیه» در کدام بیت بیش‌تر است؟

- (۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست / هر روز که بی‌ساقی گل‌چهره نشستیم
- (۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده / تا بر دل کسی ننشیند غبار من
- (۳) سروی است قامت تو از ناز سرکشیده / ماهی است عارض تو از نور آفریده
- (۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید / طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس

(سنجش ۹۰)

۲۲. در همهٔ ابیات به جز بیت آرایهٔ «تشبیه» به کار رفته است؟

- (۱) اگر چه در بر کافور عارضت افعی / تو را چو لعل زمرد نماست گو می‌باش
- (۲) اگر چه از من مسکین رقیب در خشم است / تو را نظر چو به عین رضاست گو می‌باش
- (۳) کاسهٔ سر را تهی کن وانگهی با سر بگو / کای مبارک کاسهٔ سر عشق را پیمان‌ه باش
- (۴) به چین زلف چو شام تو مایل است دلم / شدن به جانب چین گر خطاست گو می‌باش

۲۳. کدام ترکیب، «اضافهٔ تشبیهی» است؟

- | | | | |
|------------|---------------|-------------|----------------|
| (۱) چشم دل | (۲) پای تغابن | (۳) گوش جان | (۴) چراغ هدایت |
|------------|---------------|-------------|----------------|

(آزمون سراسری)

۲۴. کدام ترکیب، «اضافهٔ تشبیهی» است؟

- | | | | |
|-----------------|-------------|------------|-------------|
| (۱) انگشت ندامت | (۲) بحر جان | (۳) چشم آز | (۴) گوش جان |
|-----------------|-------------|------------|-------------|



تشبیه

پاسخ تشریحی تست‌های تهرینی

۱. گزینه ۲

چراغ هدایت اضافه تشبیهی است.

۲. گزینه ۱

بیت دوم: مشبه: خرد / مشبّه‌به: غواص (وجه شبه: به عمق رو آوردن)

بیت سوم: مشبه: زمین / مشبّه‌به: گهواره

بیت چهارم: مشبه: وجود / مشبّه‌به: اقیانوس بی کران

بیت نخست: مشبه: کل مصراع ۱ / مشبّه‌به: کل مصراع ۲

۳. گزینه ۲

بیت نخست: مشبه: تعلیم و تربیت، عمر / مشبّه‌به: گوهر (وجه شبه: ارزشمندی)

بیت سوم: مشبه: دانش، عرقان / مشبّه‌به: حلیت، دیبه (وجه شبه: دانش و عرفان باعث زیبایی جان می‌شوند)

بیت چهارم: مشبه: حوادث / مشبّه‌به: یم (دریا) (وجه شبه: هر دو پر جوشش هستند و خطرناک)

۴. گزینه ۴

می‌گوید این ریسمان نیست که این حیوان را پشت سر من آورد، خوبی‌هایی که با او کرده‌ام، ریسمان محکم‌تری است در گردن او که همیشه او را به من وابسته می‌دارد مشبه: احسان (خوبی کردن) // مشبّه‌به: کمند (ریسمانی که با آن چیزی را می‌گیرند).

۵. گزینه ۱

مشبه: مادر / مشبّه‌به: ستاره صبح / وجه شبه: ناپدید شدن

۶. گزینه ۴

مشبه: عشق / مشبّه‌به: آتش / وجه شبه: سوزاندن پر و بال

۷. گزینه ۴

مشبه: زن و مرد / مشبّه‌به: کشتی و کشتی بان / وجه شبه: حذف شده / ادات تشبیه: حذف شده

۸. گزینه ۲

مشبه‌ها، به ترتیب: نان و آب چرخ، من، من / مشبّه‌ها به ترتیب: سیل، ماهی، نهنگ

۹. گزینه ۱

در این بیت باید به معنا توجه ویژه داشته باشید. بیت تیرگی و سیاهی (گرد زنگار و موی سنجاب) را توصیف می‌کند که بر روی زمینه‌ای سپید (آینه) یا آبی (دیبای فیروزه رنگ) افتاده است که تعبیر زیبایی ست برای ابرهای باران‌زای آسمان در فصل بهار



۱۰. گزینش ۴

در سه گزینه دیگر فقط «در گرو زمان» اضافه تشبیهی است زیرا زمان به دروگری مانند شده است که دیر یا زود همه چیز را برمی‌چیند و از میان می‌برد. «روی ماه» بسته به کاربرد می‌تواند اضافه تشبیهی باشد (مثلاً صد بوسه بر روی ماهت می‌زنم) و یا اضافه استعاری باشد و تشخیص داشته باشد (مثلاً، بر روی ماه از شرم دیدار تو چین افتاده است). رجوع کنید به درسنامه اضافه تشبیهی.

۱۱. گزینش ۳

بیت نخست: روزم ← مشبه: من (محذوف) / مشبّه‌به: روزم
بیت دوم: روسپیدم کن چو خورشید ← مشبه: من (محذوف) / مشبّه‌به: خورشید
بیت سوم: خلاصی ده مرا چون لعل از این سنگ ← شاعر خودش (مشبه) را به لعلی که از دل سنگ بیرون می‌آید (مشبّه‌به) مانند کرده است. (پس در این جا مشبّه‌به فقط «لعل» نیست بلکه «لعل از دل سنگ خلاص شده» است.)
بیت چهارم: ملک چون آب ← مشبه: ملک / مشبّه‌به: آب

۱۲. گزینش ۴

بیت نخست: مشبه: هوا / مشبّه‌به: نگاه وحشتناک غارها
بیت سوم: مشبه: شب / مشبّه‌به: پرده
بیت چهارم: مشبه: او / مشبّه‌به: اختری روشن و پرفروغ

۱۳. گزینش ۱

مشبه: ایام گل / مشبّه‌به: عمر / وجه شبه: رفتن با شتاب / ادات تشبیه: چو
در بیت دوم فقط مشبه و مشبّه‌به آمده است. در بیت سوم، وجه شبه نیامده است. در بیت چهارم ادات تشبیه نیامده است.

۱۴. گزینش ۱

مشبه: او / مشبّه‌به: خنجر / ادات تشبیه: مثل / وجه شبه: «پراز خشونت بودن» که حذف شده است.
(در واقع می‌گوید با نگاهش می‌خواست همه چیز را از من بدرد.)

۱۵. گزینش ۳

جلوه‌گری وجه شبه روی یار و نوبهار است و پرده‌داری وجه شبه زلف یار و روزگار.

۱۶. گزینش ۳

بیت نخست: با توجه به معنای بیت روشن است که چهره معشوق به خورشید مانند شده است. (جمله غیرواقعی به تشبیه تبدیل شد.)
بیت دوم: دل به مرغ (پرنده)، زلف به دام و اسیر شدن دل در دام زلف به گرفتار شدن تَدْرُؤ (قرقاول) در چنگال عقاب مانند شده است.



بیت سوم: «سرو خرامنده» استعاره از یار بلندبالا است. (زیرا مشبّه‌به، جایگزین مشبه شده است).
بیت چهارم: باغ بهشت به قسمت کوچکی از کوی یار مانند شده است و چشمه کوتر باریکه آبی از لب لعل فام یار (تشبیه برتر یا تفضیلی).

۱۷. گزینہ

بیت نخست: «دریای خون» یعنی دریایی از جنس خون نه این که خون به دریا تشبیه شده باشد. پدید آمدن دریایی از خون در میان دست، کنایه از کشته شدن افراد بسیار و اغراق در این امر است. (تشبیه این بیت به شکل اضافه تشبیه نیامده است)
بیت دوم: «گوهری دهر» اضافه تشبیه‌ای است: روزگار مانند گوهر فروشی است که برای برخی ارزش قائل است و برای برخی دیگر خیر.

بیت سوم: «بنیاد حسن» اضافه استعاری است زیرا «حسن و زیبایی» به ساختمان مانند شده است و «بنیاد» از اجزای آن است.

بیت چهارم: «خورشیدرخ» یک واژه است که در بطن آن تشبیه نهفته است اما ترکیب اضافی نیست. «سایه گل» واقعیت دارد و آرایه تشبیه یا استعاره ندارد.

۱۸. گزینہ

۱. لفظ به فریاد مانند شده است. ۲. شعر به دریا مانند شده است. ۳. خون به شراب مانند شده است. ۴. لفظ به دانه مانند شده است. ۵. این (اشک) به کاسه خون مانند شده است.
(«کجا شهادت این اشکی که در هر دانه لفظ است؟» استفهام انکاری است و این معنا از آن برمی آید که «اشک» شهادت نیست.)

۱۹. گزینہ

در بیت نخست، چهره معشوق به خورشید مانند شده است اما وجه شبه (درخشان بودن) ذکر نشده است.
در بیت دوم، شاعر خود را به نسیم مانند کرده است و وجه شباهت که «افتادن و خیزان رفتن» باشد، ذکر شده است.
در بیت سوم، وصل یار به کعبه مانند شده است و وجه شبه ذکر شده، دور از دست بودن این دو است.
در بیت چهارم، مخاطب به چراغ مانند شده است که زبانی آتشین و دلی دوداندود و سیاه دارد (وجه شبه)؛ همچنین مخاطب به آسیاب مانند شده است که گرد خود می‌گردد (در بند خود است) و دامانش تر است (گناه آلود است).

۲۰. گزینہ

گزینہ نخست: مشبه: قهوه خانه // مشبّه‌به: شرم
گزینہ دوم: مشبه: چوب دست // مشبّه‌به: منتشا
گزینہ سوم: مشبه: [مردم حاضر در قهوه خانه] و [مرد نقال] // مشبّه‌به: صدف و مروارید
گزینہ چهارم: مشبه: ژرفی و پهنای چاه // مشبّه‌به: بی‌شرمی چاه (بی‌شرمی چاه همانند ژرفی و پهنای چاه، باور نکردنی بود.)

۲۱. گزینۀ ۱۴

گزینه نخست: ۱. تشبیه بلا به خار ۲. تشبیه چهره ساقی به گل («خار بلا» اضافه تشبیهی است اما «گل چهره» یک واژه است که در بطن آن تشبیه نهفته است.)
 گزینه دوم: ۱. «سیل اشک» اضافه تشبیهی است. (اغراق هم دارد.)
 گزینه سوم: ۱. تشبیه قامت یار به سرو ۲. تشبیه عارض (چهره) یار به ماه نورانی
 گزینه چهارم: ۱. تشبیه دل به مرغ (پرنده) ۲. تشبیه زلف یار به دام ۳. تشبیه خال چهره یار به دانه دام ۴. تشبیه اندیشه به طایر (پرنده) ۵. تشبیه هوس به دام (هر پنج تشبیه به شکل اضافه تشبیهی آمده است.)

۲۲. گزینۀ ۱۴

در گزینه ۲ هیچ اسمی به اسمی دیگر مانند نشده است.
 گزینه نخست: عارض یار در سپیدی به کافور تشبیه شده است. لعل در رنگ و درخشش به زمرد تشبیه شده است. معنی بیت گزینه نخست: اگر چه زلف تابیده و سیاهت مانند مار (افعی) بر چهره کافور رنگ و سپیدت افتاده است اما لب لعل تو همانند زمرد است و می تواند مار و افعی را از خود دفع کند، پس ترس و باکی نداشته باش («افعی» و «لعل» در معنی استعاری به کار رفته است.)
 گزینه سوم: «کاسه سر» اضافه تشبیهی است.
 گزینه چهارم: «زلف» به شام (شامگاه) تشبیه شده است. (هم «چین» ایهام تناسب دارد، هم «شام» قبول دارید؟)

۲۳. گزینۀ ۱۴

«چراغ هدایت» اضافه تشبیهی آشنایی است. «گوش جان» و «چشم دل» اضافه استعاری اند. پای تغابن (زیانکاری) اضافه اقترانی است.

۲۴. گزینۀ ۱۴

مشبه: جان / مشبه‌به: بحر («انگشت ندامت» و «چشم آرز» اضافه اقترانی اند و «گوش جان» اضافه استعاری که با آن‌ها در ادامه آشنا می‌شوید.)